

# بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## الهیات حکمرانی (جلسه یازدهم)

همانطور که قبلاً بیان شد، از این مباحث به دنبال تبیین شرایط و اهداف نسبت به مدیریت و حرکت و رشد در منطق قرآن و طرح واره ای که در آن حکومت و حکمرانی رخ می دهد، هستیم. بیان شد که واحد انسانی که موضوع حرکت و تکاپوی انبیا در قرآن بیان شده است، امت می باشد. در کنار امت دیگر واژگانی نیز در قرآن بیان شده است که به معرفی گروه های انسانی اشاره دارد.

### واژگان قرآنی تبیین کننده گروه های انسانی

#### ۱- قوم

این واژه که به گروه عام انسانی اطلاق شده است، مجموعه ای از انسان ها هستند که به جهت ارزش و یا هدفی گرد یکدیگر جمع شده اند. این واژه هیچ معنای ممتازی را در خود ندارد و به آن دلالت نمی کند. از این روی هیچگاه حرکت انبیاء معطوف به رشد و تکامل این گروه انسانی نبوده است.

#### ۲- شعوب و قبائل<sup>۱</sup>

این دو واژه نیز برای مجموعه ای انسانی به کار رفته است. این واژگان نیز مورد تمرکز و توجه انبیا الهی بیان نشده است و نقطه هدایتی ایشان قرار نگرفته است. همچنین سایر واژگان دیگر نیز مورد تمرکز قرار نگرفته است.

### بررسی واژه امت

باید در مورد واژه امت دقت داشت که این واژه (مانند سایر واژگان) در قرآن کریم هم به معنای لغوی و هم اصطلاحی به کار رفته است. معنای لغوی امت همان معنایی است که از کلمه قوم به دست می آید. اما معنای اصطلاحی، گروه انسانی است که دارای مدار است. قرآن کریم هم خطاب اصلی خودش را نسبت به امت قرار داده است و همچنین از تشکل های انسانی با واژه امت تعبیر کرده است.

از ویژگی های امت این است که آنان دارای منسک هستند و حول محور اصولی گرد هم جمع شده اند این جا است که قرآن کریم می فرماید:

<sup>۱</sup> برگرفته از آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ  
 الْمُخْبِتِينَ (سوره حج آیه ۳۴)

ویژگی دیگری که در قرآن برای امت بیان شده است وجود مرام در امت ها است که به پیروی از آن اقتدا دارند:  
 وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ  
 مُقْتَدُونَ (سوره زخرف آیه ۲۳)

نکته دیگری که در مورد امت باید مورد توجه قرار گیرد این است که امت شکل مطلوبی از گرد همایی انسانی است و  
 هر اجتماع انسانی را شامل نمی شود بلکه اجتماع مطلوب را نشان می دهد. این مطلب نیز در قرآن بیان شده است:  
 وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (سوره اعراف آیه ۱۵۹)  
 در این آیه منظور از قوم، گروهی است که بر اساس نژاد اجتماع کرده اند ولی امت بر اساس یک مرام شکل گرفته است.

در جایی دیگر از قرآن کریم نسبت به گروهی از اهل کتاب عنوان امت به کار رفته است [که نشانگر این است که همه  
 اهل کتاب نیز جزء امت نیستند]:

لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (سوره آل عمران آیه ۱۱۳)  
 این آیه بیان می کند که گروهی از اهل کتاب هستند که امت اند و این امت قیام به قسط دارند [ونه همه اهل کتاب  
 دارای این ویژگی باشند].

### ویژگی های امت اسلامی در قرآن کریم

نسبت به امت اسلامی، هر جا از این گروه متشکل و دارای صفات مثبت یاد شده است برای آن ها ویژگی هایی بیان  
 شده است:

#### ۱- امت واحده:

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون (سوره انبیا آیه ۹۲)

#### ۲- امت وسط:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي  
 كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا  
 كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ (سوره بقره آیه ۱۴۳)

#### ۳- امت مقتصده:

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ  
 مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ (سوره مائده آیه ۶۶)

#### ۴- امت شهید:

و يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (سوره نحل آیه ۸۴)

این تعابیر، تعبیراتی است که قرآن کریم در باب ویژگی های شکل انسانی مطلوب بیان می کند. در مورد قیامت نیز زمانی که قرآن می خواهد از گروه انسانی مبعوث یاد کند، آنان را با تعبیر امت یاد می کند که به دو نمونه از آن آیات اشاره می شود:

و يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (سوره نحل آیه ۸۹)

همچنین در جای دیگر می فرماید:

وَ تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْرَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (سوره جاثیه آیه ۲۸)

#### تعبیر قرآن از حکومت: مُلک و مَلِک

از طرف دیگر قرآن کریم برای تعبیر سیاسی حکومت از دو واژه مُلک و مَلِک بهره می برد. ملک با این که صاحب اختیار سیاسی است و با امت و قوم نسبتی را برقرار می کند ولی مورد تمرکز حرکت انبیا نبوده و عنصر اساسی این جریان نمی باشد.

قرآن کریم در سوره مائده از دو مقوله سخن می گوید:

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَ لَكُم مُلُوكًا وَ آتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (سوره مائده آیه ۲۰)

در این آیه قرآن کریم از دو مقوله سخن می گوید که در مواردی از هم جدا و گاهی با هم جمع شده اند. مسئله ملک و حکومت مسئله ای است که در قرآن بیان شده است ولی مورد تمرکز اساسی قرآن کریم نمی باشد.

ملک در معنای دیگری غیر از پادشاهی و اقتدار بر مردم نیز به کار رفته است. ملک در این استعمال به معنای اقتدار بر جهان است. آن جا که قرآن کریم می فرماید:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (سوره نساء آیه ۵۴)

این ملک که در این آیه بیان شده است همان معنای امامت در قرآن کریم است با همان ویژگی هایی که داراست. باید به این نکته دقت داشت که نقطه تمرکز انبیا الهی بر روی واحد انسانی به نام امت است و این ایجاد امت مطلوب غایت حرکت انبیا است ولی این غایت امت سازی همیشه همراه با ایجاد اقتدار سیاسی نیست.

## بررسی واژه ملت

واژه دیگری که آن نیز باید مورد دقت قرار گیرد و نسبت آن با امت مشخص شود، واژه ملت است. ملت در حقیقت مرآمی است که امتی دارای آن است و اختیار می کند. حنیف بودن ویژگی ملت حضرت ابراهیم بیان شده است.<sup>۲</sup>

### {ارتباط بین حکومت و دیانت}

جدا از نگاه سکولار که هیچ ارتباطی بین دو مقوله دیانت و حکومت قبول ندارد، بر اساس قرآن و سنت دو دیدگاه در مورد این ارتباط می توان بیان داشت که یکی از این دو مورد تأیید قرآن و سنت می باشد.

#### ۱- نگاه مدرن:

در تاریخ اسلامی می توان جریان سقیفه و خلافت را در این نگاه قلمداد کرد. در این نگاه محور و مدار، تشکل است و اساس مسئله دولت و خلافت است. در این نگاه برای ایجاد هماهنگی و حرکت به سمت غایت، ابتدا باید دولت شکل گیرد و دولت است که امت را شکل می دهد و سپس دولت با این امت به امتداد حرکت خودش ادامه می دهد. به تعبیری در این نگاه تقدم دولت بر امت ثابت می شود.

#### ۲- نگاه دوم:

در این نگاه آن چه امت را ایجاد می کند، از درون انسان ها و با اختیار آن ها است. انسان ها بر محور امام و در مسیر ولایت به حدی می رسند که به تدریج هسته های تشکل به هم پیوسته شکل می گیرد و امت ایجاد می شود. در ادامه این امت اقتدار تولید می کند. از این دریچه به تدریج قدرت سیاسی تولید می شود و به تعبیری اقتدار سیاسی استمرار قدرت اجتماعی است که در امت شکل می گیرد.

### بررسی این دو نگاه

در نگاه دوم که امت محور دانسته شده است، انسان در رسیدن به اقتدار سیاسی نقش اساسی را ایفا می کند و انسان در سنت ابتلا است که تشکل را شکل می دهد. در این نگاه بر اساس ارزش ها و آرمان ها و گسترش پیوند ها است که مدینه را تولید می کنند و پیوند های اجتماعی گسترده ایجاد می کنند. مدینه بر دوش اراده های انسانی است و پیوند ساختارمند معنوی برای ایجاد قسط تولید می شود و اقتدار سیاسی از دل امت به وجود می آید. آن چه در سنت قرآن اصل است، این می باشد که قدرت از درون امت و امت از دورن اراده انسانی برای ایجاد یک همپیمایی مشترک برای رسیدن به هدف رخ می دهد.

در این نگاه اگر به مدینه و دولت ختم شود مطلوب است، ولی قدم اصلی این نیست.

<sup>۲</sup> سوره بقره آیه ۱۳۵

در فرایند امت-دولت اقتدار هیچ وقت به عنوان یک تحمیل بیرونی که شخصیت انسان را مدیریت کند وجود ندارد. نظم اجتماعی بر اساس امت شکل می گیرد و نقش دولت سامان بخشی به اصول امت است. از این به دست می آید که تا زمانی که امت نباشد تشکل دولت مشروع نیست. در این نگاه مشروعیت غیر از مقبولیت نیست! زیرا منظور از مقبولیت رضایتی است که بر اساس و بنیاد فطرت صورت گرفته است از این روی با مشروعیت همراه است. در نگاه اول، ابتدا این است که انسان ها قدرت را در اختیار گرفته، دولت ایجاد می کنند و سپس دولت شروع به امت سازی می کند. از دل این نگاه دولت حداکثری خارج می شود. در این نگاه دولت، جایگاهی و حقیقتی در نظم و نظام جهان و حقیقت انسان ندارد.

این نگاه قائل است که چون انسان ها دارای منافع و اراده های مختلف هستند، از دل آنان دولتی ایجاد نخواهد شد، از این روی لازم است که ابتدا دولتی و حاکمیتی از بیرون به این انسان ها نظم ببخشد. اگر از بیرون هم نباشد باید انسان ها بر اساس امیال خویش کنار هم جمع شده و با هم دولتی ایجاد کنند. آن چه باید مورد دقت قرار گیرد نسبت به این نظریه این است که در این نگاه و جهان شناسی و انسان شناسی این فلسفه سیاسی، نظم انسانی منطبق درونی ندارد.

اما بر اساس نگاه قرآنی که فطرت را قبول دارد، ارزش ها در فطرت و هم در درون جهان وجود دارد. انسان در بستری زندگی می کند که نه تنها سایر انسان ها بلکه نظم جهانی به شکلی است که همراه نظم درونی انسانی است و از این جا است که الهیات حکمرانی شروع می شود. در این نگاه تشکیل امت امری درونی است و امت تحمیل بیرونی و اعتباری نیست. محور امت سیر در حیات بنیادین انسانی است.

حال بر این اساس که پایه دولت، امت باشد که آن هم ریشه در درون انسان دارد دیگر شکل معادلات حکمرانی متفاوت می شود. و بر این اساس هر شکل [از فلسفه سیاسی] که قرار است از مسیر امت سازی انسان خارج شود نادرست است و هرگونه نهادسازی که قرار است بر اراده غلبه کند و نظام ابتلا و اختیار را بر هم زند صحت ندارد.